

## اول قرن‌تیان ۲: ۴

### جان کوری

سبک خدمت اهمیت دارد. اول قرن‌تیان ۲: ۴ به ما می‌گوید پولس برای تمام دوران خدمت خود رفتاری را اتخاذ کرد که با پیغام او هماهنگ بود. پیغام پولس مسیح مصلوب و رستاخیز او بود (اول قرن‌تیان ۱۵: ۱-۴). بنابراین رفتار او نیز باید صلیب‌محور باشد، نه اینکه خودنمایی یا تعریف از خود کند. این که چگونه یک واعظ پیغام خود را ارائه می‌دهد و از پس وظایف خود بر می‌آید، به درستی معنای پیغامی را که خداوند به او سپرده است نشان می‌دهد یا این معنا را منحرف می‌کند.

این همان منطق خدمتی است که در پس امتناع پولس از تکیه بر «سخنان مقنع حکمت» نهفته است. قرن‌تیان، مانند باقی مردمان یونانی-رومی، بر این باور بودند که حکمت در گرو توانایی دستیابی به موقعیت و موفقیت از طریق بزرگ جلوه دادن خود، قرار گرفتن در کنار آدم‌های مشهور جامعه و هم‌رنگ جماعت شدن است. این حکمت فرهنگی در سخنوران مشهور آن روزگار یا سوفسطائیان تجلی یافت. این‌ها افراد مشهوری بودند که می‌دانستند چگونه خود را معرفی و سخنوری کنند، حتی اگر پیغامشان تهی از معنا باشد، تا موقعیت و موفقیت و پیروانی به دست آورند.

بنابراین، وقتی پولس می‌گوید تصمیم گرفت از «سخنان مقنع حکمت» استفاده نکند، منظورش این نبود که رویکردی مطالعه‌شده برای وعظ کلام خدا و تعلیم آن را در پیش نمی‌گیرد، یا اینکه نحوه‌ی استفاده‌ی او از کلمات اهمیتی ندارد (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵). او تصمیم گرفت که مقبول بودن پیغام خود را بر درک خود به عنوان یک انسان بزرگ وابسته نکند. این‌طور نبود که او در وعظ کلام خدا و تعلیم آن با دقت، فکر و استدلال

نمی‌کرد (اعمال رسولان ۱۸: ۱۹). او تصمیم گرفته بود که ضعف خود را پنهان نکند تا قدرت روح القدس در پیغام او آشکار شود (دوم قرن‌تیاں ۴: ۷؛ ۱۲: ۹-۱۰).

نگاهی اجمالی به زمینه‌ی متن نامه‌ی پولس نشان می‌دهد که چرا این نکته این قدر مهم است. در کلیسای قرن‌تس در مورد رهبران آن اختلاف نظر وجود داشت (اول قرن‌تیاں ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۳-۵). تقریباً به طور قطع می‌دانیم که این اختلافات یک اختلاف نظر الهیاتی نبود. پولس و پطرس، به عنوان رسولان، همان آموزه‌ای را که مسیح به آن‌ها یاد داد تعلیم دادند (ایمان ما بر آن بنا شده است؛ افسسیان ۲: ۲۰). علاوه بر این، پولس اختلاف اعتقادی را بی‌اهمیت تلقی نکرد (رومیان ۱۶: ۱۷-۱۸). این اختلاف تقریباً به طور قطع بر سر وفاداری به شخصیت‌ها بود - اعم از وفاداری به اپلس یا پولس (اول قرن‌تیاں ۴: ۶). اپلس ظاهراً خطیب با استعدادی بود (اعمال رسولان ۱۸: ۲۴)، و قرن‌تیاں تشخیص داده بودند که پولس چنین نیست (دوم قرن‌تیاں ۱۰: ۱۰). این مسیحیان تحت تسلط فرهنگی می‌ترسیدند که «ضعف و ذلت» پولس (از جمله مشقت‌های او؛ اول قرن‌تیاں ۴: ۹-۱۳) حساسیت احساسی همسایگان‌شان را جلب نکند. بنابراین، پولس در پی آن بود که به آن‌ها نشان دهد سبک خدمتی او که شامل در برگرفتن ضعف‌ها، تحمل رنج‌ها و گذشتن از خویشتن است، به گونه‌ای طراحی شده که از خود چیزی نگوید، بلکه از پیغامش - مسیح، صلیب او، و اینکه چگونه بدترین و ضعیف‌ترین گناهکاران را نجات می‌دهد صحبت کند (۱: ۱۷-۳۱).

درک زمینه‌ی آن به ما کمک می‌کند تا ببینیم چرا اول قرن‌تیاں ۲: ۴ نباید به عنوان دستاویزی برای رویکردی ضدعقلانی و از روی عمد بدون مطالعه برای خدمت انجیل استفاده شود. پولس در اینجا با آنچه در جاهای دیگر انجام داده و توصیه کرده - استدلال قوی و متقاعد کردن با کتاب مقدس (اعمال رسولان ۱۷: ۱۶-۳۱) و مباشرت ذهن ما برای رشد روحانی (رومیان ۱۲: ۲). مخالفت نمی‌کند. با این حال، او به ما می‌آموزد کسانی که کلام را خدمت می‌کنند باید در زمینه‌ی فرهنگی تصمیمی آگاهانه بگیرند که چگونه تمرکز خدمت خود را بر

روی پیغامی که به آن‌ها سپرده شده است (مسیح در تمام کتاب مقدس) و وسیله‌ای که با آن پیغام، مؤثر واقع می‌شود (روح القدس که از طریق کتاب مقدس با قدرت کار می‌کند) معطوف کنند.

فشار مداومی بر روی خادمان و کلیساها وجود دارد تا برای دستیابی به موفقیت عمومی به ساختارهای قابل قبول فرهنگی وابسته باشند. پولس آگاهانه تصمیم گرفت که از این حکمت برای شناساندن بیشتر انجیل استفاده نکند. در عوض، او تصمیم گرفت بشارت مسیح را در اولویت قرار داده و به آن اعتماد کند. بشارتی که از روح قدرت یافته بود تا از طریق خادمی که رفتارش به نوبه‌ی خود می‌گفت: «این وعظ درباره‌ی شخص من نیست» (اول قرن‌تینان ۱: ۳۱؛ ۲: ۵) به دیگران عرضه شود.

رفتار یک واعظ مهم است. روشی که او گام بر می‌دارد یا به پیغامی که مدعی مباشرت آن است خیانت می‌کند (۱: ۱۷) یا برای کسانی که به او گوش می‌دهند حلقه‌ای از اعتمادپذیری تشکیل می‌دهد (دوم قرن‌تینان ۴: ۲، ۷؛ تیموتائوس. ۲: ۲۱). او می‌تواند انتخاب کند که از سکوی رهبری خود برای به دست آوردن هر چه بیشتر دانش، عطایا و شخصیت برای خود استفاده کند، یا می‌تواند تصمیم بگیرد که از آن سکو برای هدف مورد نظر خدا - معرفی هر چه بیشتر مسیح، استفاده کند. رهبران و واعظان مسیحی باید پیوسته در مورد نحوه‌ی انجام خدمت تصمیمات آگاهانه بگیرند. آن‌ها می‌توانند با حکمتی فرهنگی منطبق شوند و آیین انسان‌های بزرگ را دنبال کنند، یا می‌توانند تصویر صلیب محور نجات دهنده‌ای را که به آن خدمت می‌کنند را بپذیرند (لوقا ۲۲: ۲۷-۲۴) و در وابستگی به روش‌هایی که او مقرر کرده زندگی و خدمت کنند. اول قرن‌تینان ۲: ۱-۴ به ما یادآوری می‌کند که قوی‌ترین پیغام، آن پیغامی است که به شیوه‌ای مسیح‌محور، در تبعیت از روح و شکل یافته توسط صلیب اعلام می‌شود.

دکتر جان کوری، هماهنگ کننده و استاد گروه الهیات شبانی در مدرسه‌ی دینی الهیات وست‌مینستر در

فیلاڈلفیا و خادم کلیسای پرزبیتری ارتدکس است.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.